



تبیین کیفیت‌های محیطی مؤثر بر مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری به عنوان بعد اجتماعی توسعه پایدار

(مورد پژوهی: شهر شیراز)

علی‌رضا صادقی¹، نیلوفر پناهی² و پریسا زارع³

تاریخ دریافت: 97/03/29

تاریخ پذیرش: 97/08/20

چکیده: امروزه بیش از گذشته به کاربست اصول توسعه پایدار در عرصه‌های عمومی شهری توجه می‌شود. در این زمینه، از آنجا که درگیری فعال با زندگی بیش از هر چیز، از طریق فراهم آوردن امکان مشارکت، فعالیت و برقراری تعاملات اجتماعی شهروندان با یکدیگر پدید می‌آید، میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری بر سلامت جسمی و روحی شهروندان و برقراری اهداف توسعه پایدار شهری تأثیرگذار است. از این‌رو هدف این پژوهش، شناسایی مشخصه‌ها و ویژگی‌های محیطی عرصه‌های عمومی واجد ارزش مشارکت از دید شهروندان بوده- است. روش تحقیق به کار گرفته شده نیز پیمایشی و همبستگی است؛ همچنین از پرسش‌نامه به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها، از نرم‌افزارهای SPSS و اسمارت‌پی‌ال‌اس به عنوان ابزار تحلیل و ارزیابی داده‌ها و از مدل ساختاری تحلیل عاملی تأییدی و روش تحلیل حداقل مربعات جزئی، به عنوان روش تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش، شهروندان بالای 15 سال استفاده کننده از عرصه‌های عمومی شهر شیراز بودند که با توجه به نامشخص بودن تعداد جامعه آماری و بر اساس فرمول کوکران، داده‌های این تحقیق از 176 نفر داوطلب از جامعه آماری به عنوان گروه نمونه جمع‌آوری گردید. مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه این تحقیق 0/805 بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد از دید شهروندان بالای 15 سال شهر شیراز، کیفیت‌های سرزندگی، فقدان آلودگی و سبز بودن، قابلیت شناخت و تجربه، تناسب و یکپارچگی، همه‌شمولی و فقدان جرم و جنایت بر میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری تأثیرگذارند.

واژگان کلیدی: عرصه‌های عمومی شهری، مشارکت شهروندی، توسعه پایدار، کیفیت محیطی، شهر شیراز.

1 استادیار، رشته شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) arsadeghi@shirazu.ac.ir

2 دانشجوی دکتری، رشته شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.

3 دانشجوی دکتری، رشته شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.

1- مقدمه

در عصر حاضر، مفهوم پایداری¹، که در سه شاخه کلی زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شود، به عنوان یک پارادایم و الگوی فکری غالب، زندگی انسان و محیط طبیعی و مصنوع پیرامون او را تحت تأثیر قرار داده است. این تأثیر به گونه‌ای است که امروزه، برقراری و دستیابی به اصول و مفاهیم پایداری در فضاها و عرصه‌های عمومی شهری²، به عنوان عالی‌ترین حوزه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی انسانی، از اهداف اصلی برنامه‌ریزان و طراحان شهری است. امروزه کاربست اصول توسعه پایدار در فضاها شهری که در قالب انگاره‌های طراحی شهری پایدار³ در عرصه‌های عمومی شهری نمود می‌یابد، در جهت بهبود کیفیت زندگی گروه‌های اجتماعی مختلف (چون زنان، مردان، کودکان، جوانان و سالمندان) و برقراری تعامل مطلوب میان آن‌ها و محیط زیست پیرامون ایشان، مورد توجه قرار گرفته است.

اما ناهنجاری‌ها و مشکلات روزافزون اجتماعی و فرهنگی در کلان‌شهرهای امروزی و از جمله کلان‌شهر شیراز، ضرورت استفاده از مؤلفه‌های اجتماعی طراحی شهری پایدار جهت کاهش اثرات مخرب ناشی از این ناهنجاری‌ها بر عملکرد انسان و شهر را بر همگان روشن ساخته است. اصولی چون لزوم توجه به نیازهای انسانی و الگوهای رفتاری شهروندان و گروه‌های اجتماعی مختلف در طراحی فضاها و عرصه‌های عمومی شهری، ایجاد فرصت دیدار چهره به چهره شهروندان در این عرصه‌ها و همچنین انعطاف‌پذیری این عرصه‌ها جهت حضور، مشارکت و فعالیت تمامی اقشار و گروه‌های اجتماعی، جنسی و سنی، بر بعد اجتماعی طراحی شهری پایدار تأکید می‌کنند. این درگیری فعال با زندگی، بیش از هر چیز، از طریق فراهم آوردن امکان مشارکت، فعالیت و برقراری تعاملات اجتماعی شهروندان با یکدیگر پدید می‌آید.

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد میزان مشارکت و حضور شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری، که با میزان رضایتمندی ایشان از شرایط، امکانات و ویژگی‌های این عرصه‌ها نسبت مستقیم دارد،

بر سلامت جسمی و روحی آنها و برقراری اهداف طراحی شهری پایدار تأثیرگذار خواهد بود. در واقع توجه به نیازها و ترجیحات شهروندان در طراحی و بهسازی عرصه‌های عمومی شهری، چون خیابان‌ها، میدان‌ها، محله‌ها، پارک‌ها و ... می‌تواند زمینه مشارکت، حضور و برقراری تعاملات اجتماعی هر چه بیشتر آنان در این‌گونه عرصه را فراهم آورد. ضرورت این مهم در کلان‌شهر شیراز به خوبی احساس می‌شود چرا که تحقیقات نشان داده‌است شهروندان آن تمایلی کمی برای مشارکت جمعی در ارتقاء کیفیت و بهبود وضعیت بافت‌های شهری دارند (Eghtesadi, 2013).

از این رو، نوشتار حاضر با هدف دستیابی به ویژگی‌هایی از عرصه‌های عمومی شهری که بر میزان مشارکت شهروندان شهر شیراز مؤثرند، شکل گرفته است. هر چند این پژوهش در پی اثبات فرضیه ویژه‌ای نیست، اما تلاش دارد در درستی وجود مدلی منسجم از عوامل و کیفیت‌های محیطی با روابطی مشخص تحقیق نماید که بر میزان مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی تأثیر گذارند. از این‌رو سؤال اصلی این پژوهش در این عبارت خلاصه می‌شود که از دید شهروندان بالای 15 سال شهر شیراز، کدام کیفیت‌های محیطی بر میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری تأثیرگذار است؟ در باب ضرورت انجام تحقیق می‌توان از لزوم تطبیق شرایط شهرها و عرصه‌های عمومی شهری امروزی با نیازهای گروه‌های اجتماعی مختلف، لزوم پاسخ‌گویی به نیازها و الگوهای رفتاری شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری ایران و لزوم تضمین و تقویت محیط‌های توانمندکننده و حمایت‌گر از شهروندان نام برد.

1-1- پیشینه تحقیق

به منظور شناخت زمینه‌های اصلی، تحلیل چگونگی ارتباطات میان متغیرها، شناخت عوامل تأثیرگذار و آشنایی با مرزهای دانش در مفاهیم مورد بحث این تحقیق، نگارندگان تلاش کرده‌اند، تحقیقاتی را بررسی نمایند که دو حوزه اصلی این پژوهش یعنی مشارکت شهروندی و عرصه‌های عمومی شهری را به نوعی با

صورت حضور مداوم، فعال و مشارکت ساکنان شهر در فعالیت‌های عمومی و جمعی مشاهده می‌شود و فضاهای عمومی شهری نقش جدی و اثرگذاری را بر پایداری اجتماعی شهرها ایفا می‌نمایند (Moayedi, 2013). همچنین در پژوهش دیگری به «بررسی تطبیقی تأثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان در محلات شهر تبریز» پرداخته شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری متوسط به بالا بوده است. همچنین متغیرهای جنس، نوع مالکیت، منطقه سکونت، تحصیلات، قدمت سکونت و احساس تعلق میزان مشارکت شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از میان این عوامل، احساس تعلق، تحصیلات و قدمت سکونت مهمترین عوامل اثرگذار بر مشارکت شهروندان محسوب می‌شود (Ghanbari, 2014).

پژوهش دیگری نیز به بررسی «نقش طراحی فضای شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان» پرداخته است. با توجه به نتایج به دست آمده، شهر و فضاهای شهری، خود ارزش‌های اجتماعی دارند که متعلق به گذشته و تاریخ زیست مردمان آن شهر است. بنابراین علاوه بر توجه به ارزش اجتماعی فضاهای شهری باید به فلسفه مدرن شهر نیز توجه کرد و آن این که طراحی فضاهای شهری به گونه‌ای باشد که اهداف فردی را به ارتباطات جمعی تبدیل کرده و یا در خدمت گرفتن ارتباطات جمعی به تحقق اهداف فردی بپردازد. البته سایه قانون در فضاهای شهری نقش انتظام بخشی دارد که روند مشارکت و تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کند (Velayati, 2015). همچنین پژوهش‌هایی که به تحلیل «سرزندگی فضاهای عمومی شهری» و «شاخص‌های خلاقانه فضاهای شهری» پرداخته‌اند نیز همواره به نقش ویژگی‌های اجتماعی فضاهای شهری و به ویژه مشارکت شهروندی در کنار سایر عوامل (چون مسیرهای ارتباطی کار، مجاورت با جاذبه‌های عملکردی حائز اهمیت، خصوصیات فیزیکی و ایجاد مکان‌های هوشمند در سطح استانداردهای کیفی بین‌المللی) در موفقیت فضاهای شهری تأکید داشته‌اند (Jalaledini and

یکدیگر مرتبط دانسته‌اند. در این زمینه، نتایج پژوهشی با عنوان «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی» نشان می‌دهد زمینه‌های مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحلیل نهایی هر چند در سطح خرد تا حدودی مساعد است، اما به دلیل عدم زمینه‌های مناسب در سطح کلان، از جمله تمرکزگرایی، پنداشت منفی نسبت به عملکرد دولت و ... مشارکت اجتماعی در بین افراد به چشم نمی‌خورد. در واقع از بعد ذهنی، اعتمادپذیری در بین شهروندان و همچنین بین شهروندان و دستگاه‌های دولتی مشاهده نمی‌شود و همین امر باعث شده است که بعد عینی مشارکت اجتماعی، یعنی شبکه تعاملات اجتماعی شکل نگیرد و در نتیجه مشارکت اجتماعی تحقق پیدا نکند (Moosavi, 2006).

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق دیگری با عنوان «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی» مشخص شد که هر چه میزان بی‌قدرتی و بیگانگی و احساس نابسامانی فردی بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی یعنی مشارکت داوطلبانه آگاهانه هدفمند افراد در جامعه کمتر می‌شود و همچنین وجود موانع، به ویژه موانع خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و ارزیابی از این موانع از طرف افراد بر میزان مشارکت اجتماعی اثرگذار است (Yazdan panah, 2007). در این زمینه، پژوهشی دیگری به بررسی «مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران» پرداخته است. یافته‌های این پژوهش بیانگر میزان مشارکت پایین افراد در امور شهری تهران است. اما در مقایسه، تفاوت‌هایی میان مناطق وجود دارد.

این سطح از مشارکت تابع متغیرهای متعددی در بعد نگرشی، رفتاری و محیطی افراد پاسخ‌گو بوده است (Moosavi and Shiani, 2010). «تحقق پایداری اجتماعی از طریق طراحی و ایجاد فضاهای عمومی شهری سرزنده انسان‌محور» عنوان پژوهش دیگری در این زمینه است. بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان‌دهنده آن است که فضاهای عمومی شهری لازم است در تمامی ابعاد (کالبدی، رفتاری، اجتماعی و ادراکی) پاسخ‌گوی نیازهای اساسی انسان باشند؛ در این

زمینه موضوع این تحقیق، سواپن در تحقیقی با عنوان «چه کسی مشارکت می‌کند و چه کسی مشارکت نمی‌کند؟ مدل مشارکت محلی تطبیق یافته در کشورهای در حال توسعه» ضمن تحلیل مدل‌های مشارکت محلی در فرآیند برنامه‌ریزی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای غربی، بر ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی، سیاسی، روان‌شناختی مدل مشارکت در کشورهای در حال توسعه تأکید می‌کند. در این زمینه این تحقیق عواملی چون فقدان آگاهی افراد، همکاری با شبکه‌های غیر رسمی، نگرانی در زمینه نتایج مشارکت و عدم اطمینان به سیستم برنامه‌ریزی را عواملی می‌داند که بر نگرش فرد نسبت به مشارکت محلی تأثیر گذارند (Swapan, 2016).

بوتینی نیز در تحقیقی با عنوان «تأثیرات محیط ساخته‌شده بر مشارکت محلی (شهروندی) در محلات شهری: رویکردی تجربی» به بررسی رابطه میان ویژگی‌ها و کیفیت‌های کالبدی- اجتماعی محله‌های شهری و مشارکت محلی پرداخته است. در این تحقیق بر نقش و تأثیرگذاری محیط شهری بر تمایل شهروندان و ساکنان محلات شهری برای مشارکت در فعالیت‌های محلی تأکید می‌شود چرا که محقق معتقد است بیشتر تحقیقات در حوزه مشارکت شهروندی و مشارکت محلی، تنها بر نقش متغیرهای اجتماعی- جمعیت‌شناختی بر میزان مشارکت محلی تأکید دارند و به تأثیر ویژگی‌های کالبدی- اجتماعی بر ارتقا سطح مشارکت محلی شهروندان کمتر توجه شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در محلات مسکونی، متغیرهای کالبدی فضایی (مانند تراکم ساختمانی، تناسبات، اندازه قطعات، نمای ساختمان‌ها، دسترسی، ایمنی، فضاهای سبز، دلبستگی به مکان و ...) به صورت مستقیم و فعال بر فرآیند مشارکت شهروندان در فعالیت‌های محلی تأثیر گذارند (Bottini, 2018).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان به نقش مشارکت شهروندی در شکل‌گیری عرصه‌ها و فضاهای عمومی شهری موفق تأکید کرد. با این حال علی‌رغم وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه شناسایی شاخص‌های مؤثر

بر مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان، کمتر تحقیقی به تحلیل کیفیت‌های کالبدی- محیطی مؤثر بر مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری پرداخته است (امری که بر جنبه جدید بودن و نوآوری این تحقیق تأکید می‌کند) و بیشتر تحقیقات در این حوزه، بر تأثیرگذاری ویژگی‌های اجتماعی- جمعیت- شناختی بر مشارکت شهروندی تأکید داشته‌اند.

1-2- چارچوب نظری پژوهش

1-2-1- مؤلفه‌های توسعه شهری پایدار در عرصه‌های عمومی شهری

"عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط- های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، در برمی‌گیرد. بنابراین این مکان‌ها از خیابان‌ها، پارک‌ها و چهارراه‌ها تا ساختمان‌های محصورکننده آنها را شامل می‌شود" (Tibbaldz, 2004:15). اما به واقع عرصه‌های عمومی سرزنده، کارا و پویا، عالی‌ترین حوزه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی شهروندان هستند که فرصت پاسخ‌گویی به نیازهایی چون نیاز به حضور در جمع و برقراری تعامل منطقی با دیگران را برای انسان فراهم می‌آورند.

اما در رویکرد توسعه شهری پایدار و به منظور ایجاد عرصه‌های عمومی کارا، سرزنده و پویا، مؤلفه‌هایی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. در این بین به نظر می‌رسد کامل‌ترین و جامع‌ترین مؤلفه‌ها را کرمونا در کتاب «فضاهای شهری، مکان‌های عمومی» ارائه می‌دهد؛ در این بین برخی از این مؤلفه‌ها بر لزوم حضور، مشارکت، فعالیت و برقراری تعاملات اجتماعی از سوی گروه‌های اجتماعی مختلف در عرصه‌های عمومی شهری تأکید دارند. در جدول شماره 1 این مؤلفه‌ها و مفاهیم مرتبط با آنها معرفی شده است.

(جدول 1)

	شهروندان است.	
<ul style="list-style-type: none"> • توجه به مشارکت اجتماعی در تصمیم‌سازی‌ها • ایجاد حس اجتماعی قوی در عرصه‌های عمومی شهری 	<p>در نظر گرفتن عرصه عمومی به عنوان یک ارگانیزم یا یک مینی اکوسیستم و استقلال نسبی در پاسخ‌گویی به نیازهای استفاده-کنندگان از عرصه‌های عمومی شهری، یک نکته مهم در پایداری این‌گونه عرصه‌هاست. خودکفایی و استقلال نسبی کمک می‌کند که استفاده‌کنندگان از عرصه‌های عمومی شهری، محیط را بر اساس نیازها و خواسته‌های خود شکل دهند. افزایش تنوع دسترسی به کالا و خدمات مورد نیاز کلیه استفاده‌کنندگان در دست‌یابی به این ویژگی مؤثر است.</p>	خودکفایی
<ul style="list-style-type: none"> • طراحی عرصه‌های عمومی مشوق پیاده‌روی شهروندان • برداشتن موانع پیش‌روی دسترسی شهروندان و گروه‌های اجتماعی مختلف به عرصه‌های عمومی شهری 	<p>به مفهوم حضور تنوع عملکردی، تنوع فرم‌ها و تنوع اشخاص و گروه‌های اجتماعی در مکان‌های شهری. این تجربه مستلزم وجود فضاهایی در عرصه عمومی با شکل‌ها، کاربردها و مفهوم‌های مختلف است. گسترش دامنه انتخاب‌های افراد، حاصل برقراری انگاره تنوع در عرصه‌های عمومی شهری است. این انگاره پایه‌ای برای سلامت اجتماعی و محیطی است.</p>	تنوع و انتخاب

به نظر می‌رسد مؤلفه‌های نیازهای انسانی، نظارت، انعطاف‌پذیری، خودکفایی و تنوع و انتخاب بیش از هر چیز بر مشارکت شهروندی گروه‌های مختلف اجتماعی در عرصه‌های عمومی شهری تأکید می‌کنند. مشارکتی که به نظر می‌رسد، بر پایه حضور و دیدار چهره به چهره شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری و انجام فعالیت و برقراری تعاملات متعارف اجتماعی از سوی ایشان در این گونه عرصه‌ها استوار باشد. به واقع این گونه مشارکت شهروندی در عرصه‌های عمومی شهری، تضمین‌کننده اهداف و راهبردهای اجتماعی توسعه پایدار در طراحی و برنامه‌ریزی شهری خواهد بود.

1-2-2- مشارکت شهروندی در عرصه‌های عمومی شهری

جدول 1- مؤلفه‌هایی از توسعه و طراحی شهری پایدار که بر لزوم حضور و مشارکت گروه‌های اجتماعی مختلف در عرصه‌های عمومی تأکید می‌کنند

(ماخذ: کرمنه، 2003: 35-48)

Tab.1-Components of sustainable urban development and design that emphasize the necessity of the presence and participation of various social groups in the public realm

(source Carmona, 2003: 35-48)

مؤلفه	مفهوم مؤلفه	راهبرد معطوف به ارتقا مشارکت
نیازهای انسانی	<p>طراحی شهری پایدار باید تمام نیازها و جنبه‌های زندگی انسانی که برای دست‌یابی به یک عرصه عمومی مطبوع و ایمن لازم است را در برگیرد. پاسخ‌گویی به نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی و امنیت، نیاز به وابستگی، نیاز به عزت و اعتماد به نفس، نیاز به تحقق خویشتن (خودشکوفایی یا نیاز به انجام فعالیتی خلاقه) و نیازهای شناختی و زیبایی شناختی از آن جمله است. در این بین لزوم پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی در عرصه‌های عمومی از جایگاه والایی برخوردار است.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • طراحی فضاها و عرصه‌های عمومی جهت ارتقاء مشارکت شهروندی و ارتباطات متعارف اجتماعی • ایجاد عرصه‌هایی با کیفیت و قابلیت تصور ذهنی بالا
نظارت	<p>به مفهوم فراهم بودن امکان مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه همگانی شهر. در واقع تقویت حس نظارت و مسئولیت شهروندان در عرصه‌های عمومی در دست‌یابی به ایمنی و امنیت در این عرصه‌ها نقش مؤثری دارد. وجود این انگاره سبب می‌شود که عرصه عمومی تبدیل به جایی شود که با روشن بینی و تجربه-گرایی تمام استعدادهای نهفته شهروندان را به کار گرفته و پاسخ‌گوی تغییرات زمانه باشد.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • توجه به ایجاد فرصت‌های لازم برای بروز ویژگی‌های شخصی افراد گوناگون با سلیقه و افکار متفاوت در عرصه‌های عمومی شهری
انعطاف‌پذیری	<p>فضاها و عرصه‌هایی که توانایی عملکرد برای کاربری‌های متفاوت و متعددی را دارا هستند، در مقایسه با عرصه‌هایی که دارای یک عملکرد ثابت هستند، به مراتب امکانات بیشتری را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهند. همچنین به مفهوم انطباق فرم شهری با فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری گوناگون</p>	<ul style="list-style-type: none"> • طراحی عرصه‌هایی که زیرساخت و پتانسیل لازم برای حضور افراد مختلف را داشته باشد.

جدول 2- تدقیق مفهوم مشارکت شهروندی از سوی صاحب‌نظران و منابع مختلف

Tab.2-Definition of the concept of citizens' participation by experts and different sources

صاحب‌نظران و منابع	تعریف و مفهوم مشارکت شهروندی
(Rogers & Shomicker, 2017:304)	میزان دخالت اعضای نظام اجتماعی در فرایند تصمیم‌گیری
(McConnell, quoted from Barak poor, 2002:247)	مشارکت، صرفاً در دادن اطلاعات به مردم، داشتن روابط خوب و متقاعد-سازی آنان خلاصه نمی‌شود، بلکه گشودن حکمت بر روی مردم و تشویق به کنش متقابل آنان است.
(Misra & Chima, 1986:32)	فرایندی در راستای باروری نیروی تصمیم‌گیری و موجبات رشد و توانایی اساسی بشر
(Effati, 1992: 84)	برانگیختن حساسیت مردم در ادراک و توانمندی در پاسخ‌گویی به طرح-های توسعه در ابعاد گوناگون
(United Nations, quoted from Wolf, 1983)	کوشش‌های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم‌دهنده در شرایط اجتماعی معین، از سوی برخی از گروه‌های اجتماعی و جنبش‌هایی که تا کنون از حیطه اعمال چنین کنترلی، محروم و مستثنی بوده‌اند.
(Ernestein quoted from Habibi & Rezvani, 2006: 53)	مشارکت شهروندان اصطلاح روشنی برای قدرت شهروندان است، توزیع مجدد قدرت است به نحوی که شهروندان نادر را، که در حال حاضر از فرآیندهای سیاسی و اقتصادی حذف شده‌اند، قادر می‌سازد به طور سنجیده و آگاهانه در آینده دخالت نمایند.
(Alavi tabar, 2003:17-19)	هر کنش متقابل اجتماعی که در آن افراد یا گروه‌ها کار و فعالیت خود را به صورتی کم و بیش سازمان‌یافته و با کمک متقابل به هم می‌آمیزند تا هدفی مشترک تحقق پذیرد.

مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (Toosi, 1991: 54). "صاحب‌نظرانی چون اوریتزر (2009)، کورنوال و گاونتا (2001)، دی‌سوزا بریگز (2008)، فانگ (2011)، گاونتا (2004)، گاونتا و مک‌گی (2010) و پرزورسکی و همکاران (2003) معتقدند مشارکت برای توسعه، جلب حمایت عمومی و تلاش‌ها جهت تغییر الگوهای رفتاری به منظور نیل به توسعه پایدار، موضوعی مهم و حیاتی است. این مفهوم به خصوص در کشورهای در حال توسعه به عنوان بخشی از فرآیندهای مردم‌سالارانه معطوف به شکل‌گیری جوامع برخوردار، آرام و برابر حائز اهمیت است" (Sagaris, 2018).

در این زمینه مشارکت شهروندی بر این اصل کلیدی استوار است که شهروندان صاحب این حق هستند که بخشی از تصمیم‌گیری‌هایی باشند که بر زندگی آنها تأثیرگذار است (Morrison & Xian, 2016). در جدول شماره 2 تعاریف و مفاهیم مشارکت شهروندی از سوی صاحب‌نظران و منابع گوناگون ارائه شده است. (جدول 2) با جمع‌بندی این تعاریف می‌توان چنین برداشت کرد که مشارکت شهروندی امری سازمان‌یافته است که فعالانه، ارادی و داوطلبانه صورت می‌پذیرد. همچنین مشارکت شهروندی در حالی که امری تعاملی و متقابل است که احساس همبستگی و تعلق در انجام فعالیت و اهداف آن وجود دارد، فرآیند محور، پایدار و مستمر نیز است.

در واقع با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به تمام عرصه‌های زندگی، امروزه سخن از شرایطی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند (Alavitabar, 2003:13). تازه‌ترین زمینه مشارکت، مشارکت شهروندان در ایجاد، اصلاح و اداره محیط زندگی، فضاها و عرصه‌های عمومی شهری پیرامون خود است. این نوع مشارکت که امری معطوف به مکان است و اغلب زمانی در اجتماعات محلی و محله‌های مسکونی رخ می‌دهد که شهروندان به طور داوطلبانه و اختیاری به ایفای نقش و پذیرفتن

مسئولیت در جهت ارتقاء کیفیت مکان زندگی خود بپردازند (Bottini, 2018). در واقع این مشارکت از الزامات زندگی شهری است و زمانی تحقق می‌یابد که شهروندینان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند درآیند و به شهروند بدل شوند (Alavitabar, 2003:13). این نوع مشارکت که در این



توجه به آنچه گفته شد، در فرآیند مشارکت، دستیابی به سطوح خرد و لایه‌های زیرین مشارکت شهروندی، که همانا مشارکت محلی، انجام فعالیت و پذیرش مسئولیت توسط گروه‌های مختلف اجتماعی در عرصه‌های عمومی شهری است، از جایگاه والایی برخوردار است. به نظر می‌رسد فراهم کردن زمینه مشارکت شهروندی در عرصه‌های عمومی شهری از طریق شناخت و تقویت کیفیت‌های محیطی تأثیرگذار بر تمایل شهروندان به مشارکت محلی، به نوعی فرصت رشد و کمال شهروندان را فراهم کرده و امید به زندگی را در ایشان بالا خواهد برد.

2- روش تحقیق

در این پژوهش از روش‌های تحقیق پیمایشی و همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه شهروندان بالای 15 سال مشارکت‌کننده (از طریق حضور یا فعالیت یا پذیرش مسئولیت) در عرصه‌های عمومی شهر شیراز بودند. حجم گروه نمونه شرکت‌کننده در این پژوهش در بخش مصاحبه‌های حضوری عمیق مقدماتی، 40 نفر از جامعه آماری و در بخش پاسخ‌گویی به پرسشنامه تدقیق شده (محاسبه به کمک فرمول کوکران)، 176 نفر از جامعه آماری بودند. در جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی (به علت مشخص نبودن ویژگی‌های جمعیت - شناختی گروه‌های مختلف مشارکت‌کننده در عرصه‌های عمومی شهر شیراز و جلوگیری از سوگیری و حذف نظرات گروهی خاص اعم از سنی یا جنسی از این روش استفاده شد تا به هر یک از افراد جامعه احتمال مساوی داده شود تا به عنوان نمونه انتخاب شوند. به این منظور در عرصه‌های عمومی هدف و در بازه‌های زمانی مشخص، از تمامی افراد بالای 15 سال مشارکت‌کننده در عرصه عمومی فارغ از سن یا جنس ایشان خواسته شد تا داوطلبانه در این تحقیق مشارکت کنند) و در تحلیل و ارزیابی این داده‌ها از نرم‌افزارهای اسپاس-اس⁵ و اسمارت‌پی‌ال‌اس⁶ استفاده شد. در تحلیل داده‌های این تحقیق از مدل ساختاری تحلیل عاملی تأییدی⁷ و روش تحلیل حداقل مربعات جزئی⁸ که

نوشتار از آن به نام مشارکت محلی⁴ نام برده می‌شود، در سه سطح مطرح می‌شود. سطح اول مشارکت محلی، معطوف به حضور و درگیری ذهنی و عاطفی شهروندان و گروه‌های مختلف اجتماعی و سنی چون کارمندان، کارگران، کودکان، جوانان، زنان، سالمندان و غیره در عرصه‌های عمومی شهری است. سطح دوم راه، قابلیت انجام فعالیت، بروز رفتار و برقراری تعاملات مطلوب اجتماعی شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری و محیط زندگی پیرامون خود تشکیل می‌دهد. اما سطح سوم، پذیرش مسئولیت و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، نظارت و اداره شهر، محله و محیط زندگی خود است. در زمینه عوامل تأثیرگذار بر مشارکت محلی، منابع اندکی بر نقش کیفیت‌های محیطی تأکید داشته‌اند و اکثر تحقیقات بر نقش عوامل اجتماعی جمعیت شناختی چون سرمایه اجتماعی، حس اجتماع، دلبستگی به مکان، مدت زمان آشنایی و سکونت، رضایت از سکونت، تسهیلات و خدمات عمومی، دسترسی و استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی تأکید دارند. این در حالی است که توجه به کیفیت‌ها و ویژگی‌های کالبدی محیط شهری از جنبه‌های کلیدی مطالعات شهری است (Bottini, 2018) چرا که کیفیت چگونگی یک چیز یا پدیده است که تأثیر عاطفی و عقلانی خاص بر انسان می‌گذارد (Pakzad, 2006:78). این تأثیر باید به گونه‌ای باشد که حواس انسان قادر به احساس و ادراک آن باشد. کیفیت یک شیء درجه و میزان برتری، مشابهت یا فروتری آن نسبت به اشیا دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگی‌های آن شیء درک و محسوب می‌گردد (Golkar, 2001). در واقع از دیدگاه احتمال‌دهندگی محیطی، جریان دادوستد میان ویژگی‌های کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها و رمزهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر است که کیفیت محیط را شکل می‌دهد (Poorjafar et al., 2009). در واقع کیفیت محیط را می‌توان به عنوان برآیند سه نیرو (مؤلفه) کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی و کیفیت زیست‌محیطی شهرها در نظر گرفت (Golkar, 2001). با

ضریب همبستگی چندگانه یک متغیر را (در اینجا مشارکت شهروندان شهر شیراز در عرصه‌های عمومی شهری) با دیگر متغیرها (در اینجا ویژگی‌های محیطی و سوالات تبیین کننده چگونگی کیفیت عرصه‌های عمومی) می‌سنجد، بهره گرفته شد.

به منظور پاسخ دادن به سؤال اصلی تحقیق و احصاء کیفیت‌های محیطی مؤثر بر مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری، نگارندگان ابتدا اقدام به طرح سوالاتی مقدماتی در مورد کیفیت و چگونگی عرصه‌های عمومی واجد ارزش مشارکت از دید شهروندان کردند. این مهم با استفاده از نتایج حاصل از مبنای نظری تحقیق و با کمک استادان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی صورت گرفت. در ادامه، این سوالات مقدماتی، در مصاحبه عمیق پژوهشگران با گروه نمونه 40 نفری از جامعه آماری مطرح و نتایج حاصل از آن با استفاده از نظرات استادان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ارزیابی شد. نتایج حاصل از این ارزیابی، تدقیق 30 سؤال در مورد چگونگی و کیفیت عرصه‌های عمومی واجد ارزش مشارکت از دید شهروندان بود. به اعتقاد نگارندگان هر گروه از این سوالات، مبین مشخصه و ویژگی محیطی خاصی از عرصه‌های عمومی شهری است. از این رو در رابطه با سوالات طرح شده، 6 مشخصه و ویژگی محیطی از عرصه‌های عمومی شهری، که به نظر می‌رسد بر مشارکت شهروندان در این عرصه‌ها مؤثر باشند، تبیین شد. در ادامه به منظور ارزیابی اعتبار ویژگی‌ها و مشخصه‌های محیطی تبیین شده و تحقیق در معنا-داری رابطه متصور شده میان ویژگی‌های محیطی و سوالات طرح شده در مورد کیفیت عرصه‌های عمومی شهری، نگارندگان اقدام به تهیه پرسش‌نامه، جمع‌آوری داده‌ها از گروه نمونه از جامعه آماری با حجم 176 نفر و تحلیل داده‌های حاصل از این نمونه‌گیری کردند. به منظور ارزیابی داده‌ها، در گام نخست، آمارهای توصیفی چون، جنس، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و اشتغال پاسخ‌دهندگان بررسی و سپس آمار تحلیلی تبیین شد. ذکر این نکته لازم است که پرسشنامه تدقیق شده برای این پژوهش، دو بخشی و بخش اول شامل مشخصات فردی پاسخ‌گو بود. همچنین در بخش دوم و در قالب

30 پرسش با مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت، چگونگی و کیفیت عرصه‌های عمومی شهری برای مشارکت شهروندی، سنجیده شد. روایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش اعتبار محتوا (تأیید استادان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی) و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ تعیین شد. آلفای کرونباخ برای کل سوالات این پرسشنامه 0/805 بود. در جدول 3، مؤلفه‌های پیشنهادی مؤثر بر مشارکت شهروندان و پرسش‌های تبیین کننده هر مؤلفه ارائه شده است. (جدول 3)

جدول 3- مؤلفه‌های پیشنهادی مؤثر بر مشارکت شهروندان

در عرصه‌های عمومی شهری

Tab.3-Proposed components affecting citizen participation in urban public realms

مؤلفه محیطی	پرسش تبیین کننده مؤلفه
همه‌شمولی	x7 - امکانات دسترسی عمومی به عرصه عمومی در نظر گرفته شده باشد (دسترسی به آن آسان باشد).
	x28 - جنس‌های مختلف (زن و مرد) در عرصه عمومی حضور یابند.
	x25 - قشرهای مختلف اجتماعی در عرصه عمومی حضور یابند.
	x2 - گروه‌های مختلف سنی در آن عرصه عمومی حضور یابند.
فقدان جرم و جنایت	x1 - عرصه عمومی از سلامت روانی برخوردار باشد.
	x6 - عرصه عمومی قابل دفاع باشد (جرم و جنایت کمی در فضا اتفاق بیافتد).
	x19 - چشم متذکر در عرصه عمومی وجود نداشته باشد.
	x31 - عرصه عمومی حتی‌الامکان، در درون بافت شهری شکل گیرد.
فقدان آلودگی و سبز بودن	x4 - عرصه عمومی پاکیزه و به دور از آلودگی آب‌وهوایی و صوتی باشد.
	x17 - سکوت، ویژگی متمایز در عرصه عمومی باشد.
	x26 - عرصه عمومی به محل سکونت‌مان نزدیک باشد.
	x32 - عرصه عمومی با درختان و عناصر طبیعی محصور شود.
سرزندگی	x29 - میلمان و تمامی وسایل آسایش در عرصه عمومی طراحی شده باشد.
	x8 - کاربری‌های متنوع در عرصه عمومی وجود داشته باشد.
	x18 - تحرک و هیجان در طراحی عرصه عمومی موج بزند.
	x15 - رویدادهای مذهبی در عرصه عمومی رخ دهد.
	x16 - رویدادهای ورزشی در فضا رخ دهد.
	x13 - رویدادهای فرهنگی در عرصه عمومی رخ دهد.

اساس مدل مربوط به این تحقیق از جمله مدل‌های ترکیبی-انعکاسی چند بعدی است. چراکه با سازه‌های مکنون در دو رتبه در ارتباط خواهد بود. سازه مرتبه اول مشارکت شهروندان و سازه‌های مرتبه دوم شش مؤلفه تعریف‌کننده آن خواهد بود. متغیرهای مستقل در این تحلیل، 30 پرسش طرح شده در مورد چگونگی عرصه‌های عمومی شهری هستند که به نظر می‌آید، هر گروه از این پرسش‌ها، با مؤلفه محیطی خاصی از عرصه‌ی عمومی دارای همبستگی و رابطه معنی‌دار باشند. بنابراین مؤلفه‌های محیطی تدقیق شده از یک سو به عنوان متغیرهای وابسته این پژوهش شناخته می‌شوند و از سوی دیگر به واسطه مؤثر بودن در میزان مشارکت شهروندی در عرصه‌های عمومی شهری، به عنوان متغیر مستقل عمل می‌نمایند. شکل شماره 1 نمایانگر تحلیل انجام شده بر متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش با استفاده از نرم‌افزار اسمارت‌پی‌ال‌اس است (شکل 1).

ذکر این نکته لازم است که در بررسی اولیه مدل، تعدادی از پرسش‌ها دارای بار عاملی کمتر از 0/6 بودند، در نتیجه مدل فاقد برازش نکویی مناسب بود. در بررسی ثانویه این پرسش‌ها حذف شده و مدل نهایی مطابق شکل 1 و شامل 15 پرسش است. همچنین در جدول 4 و بر اساس نتایج حاصل از برازش مدل ارائه شده، ضریب تأثیر هر کدام از شش متغیر اصلی بر میزان مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی مشخص شده است. بر این اساس مؤلفه‌های سرزندگی، فقدان آلودگی و سبز بودن، قابلیت شناخت و تجربه، تناسب و یکپارچگی، همه‌شمولی و فقدان جرم و جنایت به ترتیب حائز اهمیت بوده‌اند (جدول 4).

جدول 4- ضرایب مسیر مدل تحقیق

Tab.4-Coefficients of the research model

ضریب مسیر	مؤلفه محیطی
0/163	همه‌شمولی
0/130	فقدان جرم و جنایت
0/226	فقدان آلودگی و سبز بودن
0/289	سرزندگی
0/196	قابلیت شناخت و تجربه
0/174	تناسب و یکپارچگی

x14 - رویدادهای اجتماعی در عرصه عمومی رخ دهد	قابلیت شناخت و تجربه
x23 - عرصه عمومی دارای نقاط ابهام و قابل کشف باشد	
x9 - ترکیبات رنگی بدیع و متنوع در عرصه عمومی به کار رود	
x21 - آزادی انجام فعالیت‌های متنوع در عرصه عمومی وجود داشته باشد	
x30 - عرصه عمومی با حضور متعدد آدمیان شلوغ و پر از هیجان باشد	تناسب و یکپارچگی
x3 - رنگ و ظاهر عرصه عمومی با محیط پیرامونی‌اش هماهنگ باشد	
x22 - عرصه عمومی شفاف، آشکار و قابل ادراک باشد	
x12 - طراحی عرصه منطبق با فرهنگ و آداب و رسوم منطقه باشد (عرصه‌های عمومی در نقاط مختلف، متمایز باشند)	
x34 - عرصه عمومی دوستانه و صمیمی باشد	تناسب و یکپارچگی
x10 - در عرصه، وحدت وجود داشته باشد (پراکندگی عناصر در آن کم باشد)	
x11 - عرصه عمومی در کلیات و جزئیات شکل‌گیری منظم باشد	
x33 - مصالح به کار رفته در عرصه عمومی با محیط پیرامونی‌اش متناسب باشد	

3- نتایج و بحث

در پژوهش حاضر و با توجه به تحلیل‌های انجام گرفته توسط نرم‌افزار اسپاس از میان 176 شرکت‌کننده، 58/2٪ را زنان و 41/8٪ را مردان تشکیل داده‌اند. 29/7٪ از شرکت‌کنندگان در این پژوهش 15-25 ساله، 17٪ 26-35 ساله، 8٪ 36-45 ساله، 5/7٪ 46-55 ساله و 39/8٪ بالاتر از 55 سال سن داشته‌اند. همچنین 14/8٪ گروه نمونه دارای تحصیلات زیر دیپلم، 27/3٪ دیپلم، 15/3٪ فوق دیپلم، 31/8٪ لیسانس و 10/8٪ فوق لیسانس و دکتری بوده‌اند. 31/1٪ پاسخ‌گویان متأهل و 68/9٪ مجرد هستند. این در حالی است که 31/7٪ پاسخ‌گویان بدون شغل و تنها 68/3٪ دارای شغل بوده‌اند.

همچنین به منظور ارزیابی و تعیین روابط وابستگی و همبستگی میان 6 متغیر اصلی مرتبط با مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی، به بررسی روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته و برازش این روابط پرداخته شد. مدل مفهومی اولیه تحقیق با توجه به یک متغیر وابسته اصلی و شش مؤلفه تعریف‌کننده آن و 30 پرسش مرتبط با این مؤلفه‌ها ایجاد شده است. بر این

شکل 1- تحلیل متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس
 Fig.1-Analysis of independent and dependent variables of research using Smart PLS software



میزان مشارکت شهروندان شهر شیراز در عرصه‌های عمومی شهری مؤثر هستند، ارائه شده است (جدول 6). همچنین به منظور ارزیابی برازش این مدل از دو ملاک میانگین واریانس استخراج شده⁹ و روایی ترکیبی¹⁰ استفاده شده است. با توجه به نتایج حاصله و پس از انجام تغییرات اولیه در مدل اصلی، میانگین واریانس استخراج شده در میان هر 6 مؤلفه بیش از 0/5 و قابل قبول است (شکل 2). با توجه به اینکه برای مناسب بودن برازش مدل، میزان روایی ترکیبی متغیرها می‌باید بیش از 0/7 باشد، در نتیجه مدل برازش قابل قبولی دارد (شکل 3).

با توجه به آنچه گفته شد مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری و پرسش‌های تدقیق شده مربوط به این مؤلفه‌ها در جدول 7 ارائه شده است.

همچنین در جدول 5 همبستگی میان متغیرهای پنهان در این مدل نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، همبستگی بین متغیر پنهان مرتبه اول یعنی مشارکت شهروندان و شش متغیر مرتبه دوم کاملاً معنادار است و علاوه بر این ارتباط میان متغیرهای مرتبه دوم نیز قابل توجه است. در این میان بیشترین ارتباط بین مؤلفه تناسب و یکپارچگی با قابلیت شناخت و تجربه وجود دارد (جدول 5).

همچنین ارزیابی روابط میان متغیرهای وابسته شش‌گانه با پرسش‌های مربوطه در خروجی نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس نشان می‌دهد که در اکثر موارد، رابطه متصور شده، معنادار بوده است. در جدول 6 و با توجه به نتایج حاصل از برازش مدل ارائه شده، مؤلفه‌های محیطی و پرسش‌های معرف هر مؤلفه که بر

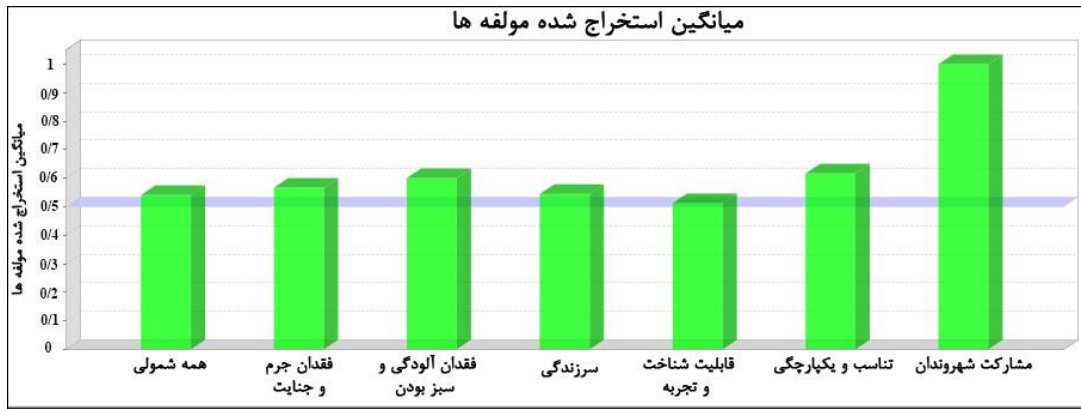
جدول 7- مؤلفه‌های تدقیق شده مؤثر بر مشارکت
شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری
Tab.7-Defined components affecting citizen participation in urban public realms

مؤلفه محیطی	پرسش تبیین کننده مؤلفه
همه‌شمولی	x7- امکانات دسترسی عمومی به عرصه عمومی در نظر گرفته شده باشد (دسترسی به آن آسان باشد)
	x28- جنس‌های مختلف (زن و مرد) در عرصه عمومی حضور یابند.
فقدان جرم و جنایت	x1- عرصه عمومی از سلامت روانی برخوردار باشد.
	x31- عرصه عمومی حتی الامکان، در درون بافت شهری شکل گیرد.
فقدان آلودگی و سبز بودن	x17- سکوت، ویژگی متمایز در عرصه عمومی باشد.
	x26- عرصه عمومی به محل سکونت‌مان نزدیک باشد.
سرزندگی	x8- کاربری‌های متنوع در عرصه عمومی وجود داشته باشد.
	x14- رویدادهای اجتماعی در عرصه عمومی رخ دهد.
قابلیت شناخت و تجربه	x9- ترکیبات رنگی بدیع و متنوع در عرصه عمومی به کار رود.
	x3- رنگ و ظاهر عرصه عمومی با محیط پیرامونی- اش هماهنگ باشد.
قابلیت شناخت و تجربه	x22- عرصه عمومی شفاف، آشکار و قابل ادراک باشد.
	x12- طراحی عرصه منطبق با فرهنگ و آداب و رسوم منطقه باشد (عرصه‌های عمومی در نقاط مختلف، متمایز باشند).
تناسب و یکپارچگی	x10- در عرصه، وحدت وجود داشته باشد(پراکندگی عناصر در آن کم باشد).
	x11- عرصه عمومی در کلیات و جزئیات شکل- گیریش منظم باشد.
	x3- مصالح به کار رفته در عرصه عمومی با محیط پیرامونی اش متناسب باشد.

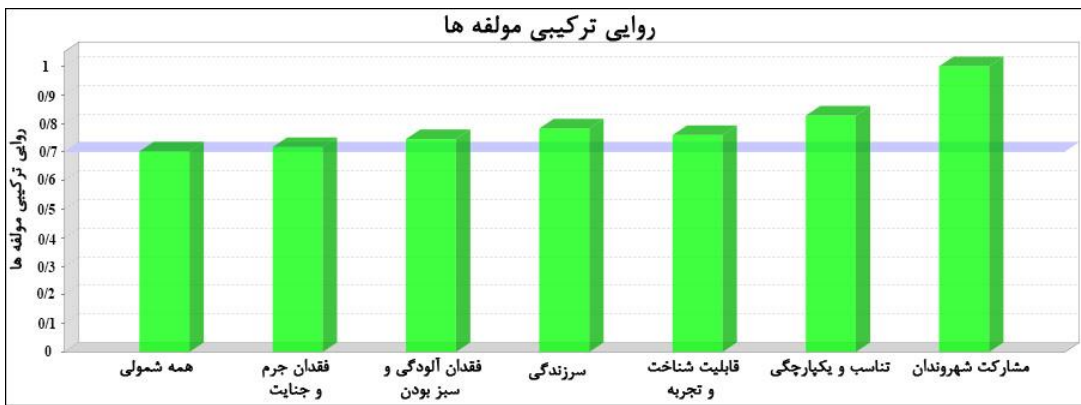
جدول 8- چگونگی دست یابی به مؤلفه محیطی مؤثر بر
تشویق شهروندان به مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری
Tab.8-Proposed strategies to achieve an effective environmental component in encouraging citizens to participate in urban public realms

کیفیت	راهکارهای تحقق کیفیت
سرزندگی	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد تنوع و گوناگونی در کاربری‌های عرصه عمومی و فراهم سازی دامنه وسیعی از حق انتخاب‌ها ارتقا انعطاف پذیری عرصه عمومی برای پذیرش کاربردها و کاربری‌های متفاوت و متعدد ایجاد عرصه‌هایی که علاوه بر رویدادهای فرهنگی و اجتماعی، دارای محوطه‌های ورزشی نیز باشند برگزاری نمایشگاه‌های هنری، کنسرت‌های موسیقی، مسابقات جمعی چون مسابقه پرورش گل و گیاه و غیره در عرصه عمومی

<ul style="list-style-type: none"> نوآوری و ابتکار در طراحی تفریحات سالم در عرصه‌های عمومی شهری تقویت وجه مردم سالارانه عرصه عمومی و نبود موانع بر سر راه انتخاب گزینه‌های متعارف و مطلوب پیش روی شهروند در عرصه عمومی 	
<ul style="list-style-type: none"> کاهش آلودگی‌های صوتی و زیست‌محیطی در عرصه‌های عمومی شهری ایجاد چشم‌اندازهای طبیعی در عرصه‌های عمومی شهری فراهم کردن فرصت تماشا و استراحت در کنار چشم‌انداز-ها در عرصه‌های عمومی شهری امکان استفاده از نور خورشید، استنشاق هوای تازه، تماشای آسمان در عرصه‌های عمومی شهری 	فقدان آلودگی و سبز بودن
<ul style="list-style-type: none"> استفاده از اصول و قواعد کلی قابل درک برای شهروند در طراحی عرصه عمومی استفاده از نوعی خاصی از مصالح یا رنگ ویژه در طراحی عرصه عمومی پرهیز از یک‌نواختی در طراحی عرصه عمومی توجه به رمزگرایی در طراحی عرصه عمومی 	قابلیت شناخت و تجربه
<ul style="list-style-type: none"> توجه به عامل وحدت در طراحی عرصه‌های عمومی شهری طراحی ریز فضاها و نحوه‌ی تداخل آن‌ها در عرصه‌های عمومی به منظور تقویت انسجام و یکپارچگی وجود نوعی هماهنگی ویژه بین عناصر عرصه عمومی جلوگیری از تکرار بیش از اندازه عناصر به منظور عدم شکل‌گیری نوعی بی‌نظمی و عدم یکپارچگی در عرصه‌های عمومی قابل پیش بینی نمودن عرصه عمومی و فراهم کردن امکان دریافت معنای اجزای عرصه عمومی برای شهروند 	تناسب و یکپارچگی
<ul style="list-style-type: none"> فراهم کردن امکان ورود و خروج آسان به عرصه‌های عمومی شهری با راحتی با وسایل نقلیه عمومی فراهم کردن شرایط حضور تمامی افراد، چه زن و چه مرد و تمامی گروه‌های سنی فراهم کردن زمینه جابه جایی آسان از یک نقطه به نقطه دیگر در عرصه‌های عمومی شهری فراهم کردن امکان قدم‌زدن و پیاده‌روی آنان در عرصه‌های عمومی تنظیم فاصله قرارگیری مکان‌های مکث و استراحت در عرصه عمومی شهری 	همه‌شمولی
<ul style="list-style-type: none"> تقویت حیات شبانه و فعالیت‌های 24 ساعته در عرصه‌های عمومی شهری مکان‌یابی صحیح روشنایی‌ها و تقویت نورپردازی در عرصه‌های عمومی شهری تقویت نظارت همگانی در عرصه‌های عمومی شهری تعمیر و نگهداری مداوم عرصه‌های عمومی شهری جلوگیری از شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع و رهاشده 	فقدان جرم و جنایت



شکل 2- میانگین استخراج شده کیفیت‌ها در مدل پیشنهادی
Fig.2-The extracted mean of qualities in the proposed model



شکل 3- روایی ترکیبی کیفیت‌ها در مدل پیشنهادی
Fig. 3- Qualitative validity of the proposed model

4- نتیجه گیری

که به جز عرصه‌هایی در مرکز شهر شیراز و در محدوده بازار و مجموعه وکیل، در کمتر عرصه عمومی شهر شیراز به چشم می‌خورد. در واقع عرصه‌های عمومی شهری در هیچ ساعتی از شبانه‌روز نمی‌بایست از حضور سرزنده و فعال گروه‌های مختلف شهروندان تهی شوند. اساساً احساس پویایی در شهروندان وقتی حاصل می‌شود که همه حواس و ذهن شهروند، به هنگام حضور در عرصه، به نحوی درگیر با محیط شود. در چنین شرایطی است که حتی تماشای فعالیت افراد و بازی کودکان برای شهروند جذاب بوده و نوعی فعالیت برای وی به حساب می‌آید. این احساس پویایی، هم متوجه نحوه حرکت شهروند در عرصه است و هم

با اتکا به نتایج حاصل از مطالعات میدانی صورت گرفته (جدول 7)، نگارندگان توجه به 6 مؤلفه محیطی را در تشویق شهروندان به مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری و به طور ویژه شهر شیراز مؤثر می‌دانند. این مؤلفه‌ها به ترتیب اهمیت عبارتند از:

1- سرزندگی: به نظر می‌رسد جهت تشویق شهروندان به مشارکت بیشتر در عرصه‌های عمومی شهری، اینگونه عرصه‌ها بیش از هر چیزی می‌بایستی سرزنده و پویا باشند. اولویت این مهم برای شهروندان شهر شیراز با توجه به شرایط و مشخصه‌های فعلی عرصه‌های عمومی شهر شیراز امری معقول به نظر می‌رسد، چرا که پویایی و سرزندگی در ساعات مختلف شبانه‌روز کیفیتی است

معطوف به انواع محرک‌های محیطی که در عرصه وجود دارند. همچنین آزادی عمل شهروند در عرصه عمومی که به واسطه پویایی و سرزندگی عرصه‌های عمومی شهری به وجود می‌آید، به تقویت حس خودکفایی و حس مفید بودن شهروند کمک می‌کند. به واقع ایجاد زمینه‌هایی برای انجام بعضی فعالیت‌های فردی، چون انجام برخی ورزش‌ها، در عرصه عمومی، به شهروند قدرت فردی و اعتماد به نفس می‌بخشد و انگیزش مشارکت بیشتر در عرصه عمومی را در وی ایجاد می‌نماید؛

2- فقدان آلودگی و سبز بودن: این کیفیت شامل ادراک شهروند در مورد پاکیزگی، نظافت و در دسترس بودن عرصه‌های عمومی است. حضور این کیفیت در اولویت‌های محیطی شهروندان شهر شیراز جهت مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری حائز اهمیت است چرا که این شهر که در گذشته همواره به باغ‌های سرسبز و فضاهای عمومی پاکیزه خود شهره بوده است و امروزه نیز شهروندان این شهر به تخریب گسترده باغ‌ها و آلوده کردن عرصه‌های عمومی شهری حساسیت ویژه‌ای دارند. تقویت رابطه انسان با طبیعت در عرصه‌های عمومی شهری، لذتی عمیق‌تر و ادراکی روشن‌تر از عرصه عمومی را به دنبال خواهد داشت. در واقع لذت بردن از طبیعت و تماشای محیط‌های طبیعی، اهمیت زیادی در تقویت رابطه شهروند با عرصه عمومی شهری دارد و به طور حتم بر مشارکت شهروند در عرصه‌های عمومی شهری مؤثر خواهد بود؛

3- قابلیت شناخت و تجربه: ذهن شهروند، همان‌گونه که به دنبال تازه‌هاست، همواره به دنبال انطباق و بازشناسی نیز هست و می‌خواهد عناصر ادراک شده از عرصه عمومی توسط او، با رفتارهای فردی و گروهی همخوان باشد. عرصه عمومی و عناصر موجود در آن، باید در ذهن شهروند، هویت خاص و ویژه‌ای داشته باشد تا وی را به مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری ترغیب نماید. به نظر می‌رسد حساسیت شهروندان شهر شیراز به پیشینه غنی تاریخی و میراث‌های ملموس کالبدی و ناملموس فرهنگی شهر خود سبب شده است تا برای مشارکت بیشتر در عرصه‌های عمومی شهری،

حضور نمادها و عواملی را ضروری بدانند که این پیشینه و میراث را یادآوری کنند. در واقع توجه به مفاهیم باطنی هر عنصر در طراحی عرصه عمومی، در کنار مفاهیم و فرم ظاهری عنصر و ترغیب شهروند به کنش حسی-ذهنی-ادراکی، برای کشف معنای مستتر در عنصر، در بازگردان اعتماد به نفس به شهروند و ترغیب وی به مشارکت مکرر در عرصه عمومی شهری نقش مهمی دارد. خاطره ذهنی، قابلیت ادراک، تجزیه و تحلیل و تطبیق داده‌های محیطی با معانی ذهنی و تشکیل تصویر ذهنی در فرد است. خاطره یا تصویر ذهنی مطلوب شهروند از عرصه عمومی، بر میزان مشارکت و حضور او در عرصه‌های عمومی مؤثر است، چرا که خاطره ذهنی مطلوب، به کاستن از حجم ابهامات در مورد عرصه عمومی، پیش‌بینی نمودن شرایط و جهت‌یابی شهروند در عرصه عمومی کمک می‌کند. اطمینان و تسلط ذهنی ناشی از این فرایند، باعث آسودگی خاطر و احساس تعلق شهروند به عرصه عمومی می‌گردد. اهمیت این امر زمانی بیشتر آشکار می‌شود، که بدانیم شهروندان در محیط‌های سرشار از یکنواختی و ابهامات نامتعارف، دچار تحریکات شدید عصبی شده و در تنگنا قرار می‌گیرند؛

4- تناسب و یکپارچگی: عناصر عرصه عمومی، همگی زیرمجموعه یک نظام هستند. این نظام ممکن است خیلی ساده و روشن و یا پیچیده باشد. در واقع شهروند از هر عنصر عرصه عمومی، میزان مشخصی از نظم، پیچیدگی و یا سادگی را انتظار دارد. چرا که این بی-نظمی، در نهایت به سردرگمی شهروند و امتناع وی از حضور و مشارکت مکرر در عرصه عمومی می‌انجامد. همچنین در این زمینه تجربه عناصر و اجزای کالبدی، عملکردی و معنایی عرصه عمومی، به صورت یک کل واحد نیز حائز اهمیت است. ضرورت وجود این مهم از نظر شهروندان شهر شیراز جهت مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری امری قابل درک است، چرا که عرصه‌های عمومی این شهر مانند بازارها، میدان‌ها، حیاط مساجد، باغ‌ها، مسیرها و غیره در تمام ادوار تاریخی همگی واجد نظم مشخص و چیدمان قابل درک بوده‌اند.

موفقیت فضاهای شهری تأثیرگذار می‌دانند، متناسب است. همچنین تأثیرگذاری معیار قابلیت شناخت و تجربه در نتایج این تحقیق و تأثیرگذاری آن بر میزان مشارکت شهروندان، تایید کننده نتایج تحقیق ولایتی (2015) است که انتظام بخشی به فضاهای شهری را در تقویت مشارکت شهروندی مؤثر می‌داند. همان‌گونه که بیان گردید، در این پژوهش معیار سرزندگی از نظر شهروندان بر میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری تأثیرگذار بوده است که این نتیجه با یافته‌های پژوهش انجام شده، توسط مؤیدی (2013) هماهنگی دارد. بنابراین توجه به انسان و پاسخ‌گویی به نیازهای وی از طریق ارتقاء سطح سرزندگی فضاهای عمومی شهری، تداوم حضور فعال شهروندان در محیط را به همراه خواهد داشت.

از سوی دیگر نتیجه پژوهش جلال‌الدینی و اوکتای (2011) بر اهمیت شاخص‌هایی نظیر مسیرهای ارتباطی کارا و مجاورت با جاذبه‌های عملکردی حائز اهمیت تأکید دارد که این شاخص‌ها به ترتیب زیرمجموعه برخی از مؤلفه‌های این پژوهش نظیر همه شمولی و سرزندگی محسوب می‌شوند. در پژوهش انجام شده توسط قنبری (2014) متغیرهای جنس، نوع مالکیت، منطقه سکونت، تحصیلات، قدمت سکونت و احساس تعلق در مورد میزان مشارکت شهروندان بررسی شده‌اند که از بین آنها احساس تعلق، تحصیلات و قدمت سکونت مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مشارکت شهروندان محسوب می‌شود، درحالی‌که در این پژوهش معیارهای مربوط به کیفیت فضای شهری نظیر سرزندگی، فقدان آلودگی و سبز بودن، قابلیت شناخت و تجربه، تناسب و یکپارچگی، همه‌شمولی و فقدان جرم و جنایت مورد بررسی قرار گرفته‌اند، که از بین آنها سرزندگی، فقدان آلودگی و سبز بودن و قابلیت شناخت و تجربه از مهم‌ترین عوامل مشارکت اجتماعی شهروندان به شمار می‌آید. همچنین هر چند تحقیق حاضر با تأکید بر تأثیر ابعاد محیطی بر میزان مشارکت شهروندان، تأثیرگذاری صرف ابعاد فردی را رد می‌کند، اما وجود معیار فقدان جرم و جنایت در فضاها و عرصه‌های عمومی شهری به عنوان بعدی اجتماعی این گونه فضاها، تاییدکننده

5- همه‌شمولی: کیفیت همه‌شمولی بیش از هر چیز بر عدالت و عدم ممنوعیت در دسترسی به عرصه‌های عمومی شهری برای گروه‌های سنی، جنسی و طبقات اجتماعی مختلف تأکید دارد. ضعف در شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی در شهر شیراز و عدم سهولت در دسترسی به عرصه‌های عمومی این شهر برای گروه‌های مختلف اجتماعی، به ویژه سالمندان و معلولان می‌تواند دلیل توجه مردم شیراز به این کیفیت محیطی باشد. در مورد دسترسی به عرصه عمومی، می‌توان به واسطه ارتباطاتی که یک عرصه با محیط اطرافش دارد، چه از نظر بصری و چه از جنبه فیزیکی، داوری کرد. قرارگیری عرصه‌های عمومی در بافت‌های شهری و محلات مسکونی در نوع قضاوت تأثیرگذار هستند؛

6- فقدان جرم و جنایت: فقدان جرم و جنایت و ایمنی و امنیت ناشی از آن، ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت-وساز شهری دارد. امنیت نوعی احساس آرامش درونی قلمداد می‌شود، که از کیفیت‌های فعال محیط حاصل می‌شود و پس از ادراک ذهنی، گونه‌ای احساس در امان بودن را پدید می‌آورد. کاهش احساس عدم امنیت شهروندان در عرصه عمومی به منظور تشویق ایشان به مشارکت در این عرصه‌ها ضروری است. عدم توجه به این مهم در شهر شیراز که فضاهای عمومی بی‌دفاع و مستعد وقوع جرم و جنایت هم در بافت تاریخی و هم در بافت‌های میانی و جدید آن به وفور وجود دارد، می‌تواند زمینه کاهش مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری را فراهم آورد. از این رو به نظر می‌رسد این کیفیت محیطی نیز به درستی در بین اولویت‌های محیطی شهروندان شهر شیراز برای مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری قرار گرفته است.

با توجه به آنچه گفته شد، ذکر این نکته لازم است که نتایج کلی این تحقیق با نتایج تحقیق موسایی و شیانی (2010) که مشارکت را تابع متغیرهای نگرشی، رفتاری و محیطی شهروندان می‌داند، هم‌سو است. همچنین تأکید این مقاله بر وجود ارتباط میان مشارکت اجتماعی شهروندان و شاخص‌های محیطی فضاها و عرصه‌های عمومی شهری با نتایج تحقیق باسوا و استفانکووا (2016) که مشارکت شهروندان را بر میزان

پی نوشت

- ¹ Sustainability
- ² Public realm and public space
- ³ Sustainable urban design
- ⁴ Community participation
- ⁵ SPSS
- ⁶ Smart PLS
- ⁷ Confirmatory Factor Analysis
- ⁸ Partial Least Squares
- ⁹ AVE (Average Variance Extracted)
- ¹⁰ Composite Reliability

منابع

Alavi tabar, A. (2003), Investigating the Pattern of Citizen Participation in the Administration of City Affairs, Tehran, Organization of the municipalities of the country.

Barak poor, N. (2002), Transition from Urban Government to Urban Governance, Thesis of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran.

Basova, S and Stefancova, L. (2016), Creative Parameters of Urban Spaces, International Journal of Arts and Commerce, Vol.5(2): 54-68.

Bottini, L. (2018), The Effect of Built Environment on Community Participation in Urban Neighborhoods: An Empirical Exploration, Cities, Article in press, available at: <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.03.020>.

Carmona, M. (2003), Public places, Urban spaces, Architectural press.

Effati, M. (1992), Investigating the Factors Affecting the Participation of Villagers in Rural Development Projects, Master's Degree Thesis, Allameh Tabatabaei University.

Eghtesadi, N. (2013), Citizen Participation; the Key to Sustainable Social Development in Urban Neighborhoods, Case Study Baghshah Neighborhood in Shiraz, Urban Identity Journal, 7 (16): 81-97.

Ghanbari, A. (2014), Comparative Study of the Impact of Urban Space on the Participation Rate of Citizens (Case study: Tabriz Neighborhoods), Geography and Planning Journal, Volume 18 (48): 211-243.

Golkar, K. (2001), Quality Components in Urban Design, Sofeh Journal, Issue 32: 38-65.

نتایج تحقیق یزدان پناه (2007) است که وجود موانع اجتماعی و چگونگی ارزیابی فرد از این گونه موانع را بر کاهش میزان مشارکت شهروندان مؤثر می‌داند. از سوی دیگر، وجود معیارهای سرزندگی، همه‌شمولی و فقدان جرم و جنایت در بین معیارهای این تحقیق که که تعاملات اجتماعی شهروندان در فضاهای شهری را تقویت می‌کنند، تأییدکننده نتایج تحقیق موسوی (2006) است که مشارکت اجتماعی و وجود شبکه تعاملات اجتماعی را زمینه تقویت سرمایه اجتماعی می‌داند. با توجه به آنچه گفته شد در ادامه و در قالب جدول 8، چگونگی دستیابی به مؤلفه محیطی مؤثر بر تشویق شهروندان به مشارکت در عرصه‌ها و فضاهای عمومی شهری بررسی شده است (جدول 8).

بنابراین در طراحی و برنامه‌ریزی مطلوب عرصه‌های عمومی شهری، توجه به نیازها، ویژگی‌ها و ترجیحات شهروندان برای حضور، انجام فعالیت، پذیرش مسئولیت و در یک کلام مشارکت شهروندی، امری حیاتی است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد از دید شهروندان بالای 15 سال شهر شیراز، معیارهای سرزندگی، فقدان آلودگی و سبز بودن، قابلیت شناخت و تجربه، تناسب و یکپارچگی، همه‌شمولی و فقدان جرم و جنایت بر میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری تأثیرگذارند. اگرچه لزوم مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری، به لحاظ مفهومی و در مبانی نظری، اصلی زیر بنایی از طراحی شهری پایدار به شمار می‌آید، ولی زمینه‌سازی برای به اجرا درآوردن این گونه مشارکت، به سادگی امکان پذیر نیست. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه و گروه‌های اجتماعی مختلف، نوع نگاه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران مدیریت شهری کشور، تجربیات گذشته شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری و بسیاری عوامل پیدا و نهان دیگر، بر مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری مؤثرند. در این بین، امید است با کاربست و توجه به مؤلفه‌های محیطی تبیین شده در این نوشتار، در طراحی و بهسازی عرصه‌های عمومی شهری، زمینه مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری فراهم آید.



Poorjafar, M.R. Taghvaei, A., Sadeghi, A. (2009). Examining the Effect of Organizing Visual Axes on Improving the Quality of the Environment of Urban Public Spaces, Case study: Tehran Azadi Avenue, Urban Management Journal, (24): 65-85.

Rogers, A, Shomicker, F. (2017). Conducting Innovations: An Intercultural Approach (Translated by Ezatollah Karami and Abu Taleb Fanayi), Shiraz, Shiraz University Press.

Sagaris, L. (2018). Citizen Participation for Sustainable Transport: Lessons for Change from Santiago and Temuco, Chile. Research in Transportation Economics, Article in Press, Available at: <https://doi.org/10.1016/j.retrec.2018.05.001>.

Swapan, M.S.H., (2016). Who Participates and Who doesn't? Adapting Community Participation Model for Developing Countries, Cities, Vol 53: 70-77.

Tibbaldz, F. (2004), Making People-Friendly Towns (translated by Mohammad Ahmadi Nezhad), Esfahan, Khak Publications.

Toosi, M. (1991). Participation in Management and Ownership, Tehran, Center for Education and Public Administration.

Velayati, R. (2015), The Role of Urban Space Design in Creating Social Interactions and Citizen Participation, Tabriz, National Conference of a New Look at Urbanism, Security and Prevention of Crime in Urban Spaces.

Wolf, M. (1983), Participation: The View from Above. Geneva: UNRISD.

Yazdan panah, L. (2007), Obstacles to Social Participation of Citizens of Tehran, Journal of Social Welfare, seventh year (26): 105 to 130.

Habibi, M, Saeedi Rezvani, H. (2006), Participatory Urbanism; Conceptual Differentiation and Evaluation of Iranian Experiences, Sofeh Journal, Volume 15 (43): 50-70.

Jalaladdini, S, Oktay, D. (2011), Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns, Asia Pacific International Conference on Environmental-Behavior Studies, North Cyprus, December 2011.

Mirmusavi, A. (1996), Religious Foundations and Participatory Political Culture, Naghd va Nazar Journal, Second Year (3-4): 86-111.

Misra, R, Chima, J. (1986), People's Participation, Jahad Journal, Volume 6 (89): 89-93.

Moayedi, M. (2013), The Fulfillment of Social Sustainability by Designing and Creating Vibrant Human-oriented Public Spaces, Qazvin, National Conference on Architecture and Human-oriented Urbanism.

Mohseni Tabrizi, A. (1996). Alienation; A Barrier to Participation and National Development, Study of the Relationship between Alienation and Social Political Participation, Journal of Cultural Research, No. 1: 89-110.

Morrison, N., Xian, S., (2016). High mountains and the faraway emperor: Overcoming barriers to citizen participation in China's urban planning practices, Habitat International, Vol 57: 205-214.

Musaei, M, Shiani, M. (2010), Participation in Urban Affairs and its Requirements in Tehran, Journal of Social Welfare, Vol. 10 (38): 245-268.

Musavi, M. (2006), Social Participation as One of the Components of Social Capital, Journal of Social Welfare, Volume 6 (23): 67-92.

Pakzad, J. (2006), Urban Design Theoretical Basis and Process, Tehran, Ministry of Housing and Urban Planning Publications, First Edition.